

## « جات خالی افصح الملك »

افصح الملك یزدی ، سید ابراهیم متخلص به جلالی از اعقاب میرزا علی -  
نقی وقت ساعتی فقیه و دانشمند و مجتهد نامبردار یزد است . وی در سال ۱۲۸۳  
هجری قمری در قریه بنادک سادات ولادت یافت و در او ان صباوت از فیض وجود  
مادر محروم گشت و پس از آن از بنادک به یزد آمد و با اشتغال به فن حکاکی به  
تحصیل علم نیز اهتمام کرد و دیری نپایید که با طبع لطیف و قریحه آتشی که  
داشت به زبان آوری و بلاغت در گویندگی اشتهار حاصل کرد و همین امر انگیزه‌ای  
بود که او را در سن ۲۶ سالگی راهی اصفهان و سپس عازم تهران ساخت و در  
جمع اهل ادب ممتاز نمود و توجه درباریان قاجار را به خود معطوف گردانید .  
بدین مناسبت در سال ۱۳۱۸ هجری قمری وسیله میرزا علی اصغر اتابک  
بدربار مظفرالدین شاه قاجار راه یافت و دو سال بعد بدریافت لقب « افصح الملك »  
از جانب شاه قاجار نائل آمد (۱) افصح الملك در اثنای جلوس اعلیحضرت رضا  
شاه کبیر نیز قصیده‌ای بلیغ پرداخت و هنگام پار یافتن بمرض رسانید و بدریافت  
نشان همایونی مفتخر گشت ( ۲ )

افصح الملك شش فرزند داشت . چهارتن دختر و دو تن پسر که ارشد آنها

۱ - قسمتی از فرمان مذکور که در حال حاضر در کتابخانه وزیری یزد  
نگهداری می‌شود در اینجا نقل می‌گردد و میرزا سید ابراهیم افصح الملك  
یزدی که در مرآت ادب و مدارج سخنوری و پایه ثنا گستری قصب السبق از همگان  
ر بوده و یک عمر در مدایح ذات اقدس خدیوانه باقصی مراتب و فزون تر مدارج  
فصاحت طلیق اللسان بوده لهذا از هذاه السنه پارس نیل خیریت تحویل و ما بعدها  
مبلغ پنجاه و شش تومان و کسری از قراد شرح ذیل مستمری و تخفیف میرزا علی  
اکبر طبیب اردکانی که متولی بلاعقب است در حق فرزندان معزی الیه برقرار  
فرمودیم که همه ساله از محل یزد دریافت داشته بلزوم دعا گوئی ذات اقدس  
شهریاری قیام و اقدام نماید ، مقرر آنکه مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان  
مبارک رایت و ضبط نموده در عهده شناسند شهر شعبان المعظم ۱۳۲۰ ،  
۲ - نشان مذکور که مزین به تمثال مبارک اعلیحضرت رضا شاه کبیر  
میباشد موجود است و به خاندان افصح الملك تعلق دارد .

سیدعلی افصح‌زاده فرماندار سابق نائین و جیرفت است (۱) شاعر در سال ۱۳۴۵ هجری قمری پس از ۶۲ سال زندگی در بزرگداشت و در جوار حرم امام‌زاده جعفر مدفون گشت وی در سرودن غزل، مرثیه، مثنوی و قصیده بویژه قطعه دستی قوی و طبیعی شایسته تحسین داشت این ابیات از او بمناسبت نقل می‌گردد:

بدوش افکنده از گیسو سلاسل  
که در بند آورد هر جا بود دل  
گره‌ها می‌زند در کار از آن زلف  
زبانش گرچه شد حلال مشکل  
از او دست هوس مانده است کوتاه  
وز او پای‌خردرفته‌است در گل (۲)

۱ - سیدعلی افصح‌زاده نیز در سرودن شعر دستی داشت و نگارنده بیشتر اشعار مندرج در این مقاله را از ایشان نقل کرده است وی در تاریخ هشتم دیماه سال جاری بسبب حمله قلبی در سن ۸۴ سالگی درگذشت. از او است:

به ناخن سنگهای سخت سفتن  
به مژگان خاکهای راه رفتن  
کنار کوچه و بازار هر شب  
گرسنه تا بوقت صبح خفتن  
به بی‌تقصیری اندر صبح تاریک  
پیام حکم قتل خود شنفتن  
ما خوشتر بود از یک تملق  
به پیش مردمان سفله گفتن  
ایضاً از او است:  
با کاروان کوی‌توما همسفر شدیم  
دور از نظر نرفته که دور از نظر شدیم  
با ما تفقدی نمودند هم‌راهان

آری از این جهت بخدا خونجگر شدیم  
مرحوم ادیب‌الممالک فراهانی که در اواخر عمر رئیس تشکیلات عدلیه در یزد بود با افصح‌زاده سابقه دوستی و مجالست داشت وی در یک روز بر غندان، رباعی ذیل را برای افصح‌زاده ارتجالاً انشاد کرد:

از صحبت دوست روز بر غندان بود  
کاین بنده ز بخت خرم و خندان بود  
دانی که کدام دوست افصح‌زاده

از دوست گذشته به ز فرزندان بود  
۲ - مرحوم مهندس احمد طاهری سه بیت مذکور را به اشتباه به سید علی افصح‌زاده منسوب دانسته است: رجوع کنید به تاریخ یزد تألیف مهندس طاهری چاپ گلپهاریزد سال ۱۳۱۷ - صفحه ۱۶۱ - ۱۶۲ و نیز رجوع کنید به آتشکده یزدان تألیف مرحوم آیتی صفحه ۲۷۱ - ۲۷۲

ماده تاریخ وفات سپهسالار اعظم که بنقل مرحوم سید علی افصح زاده بر روی سنگ قبر مرحوم سپهسالار منقور است نیز در حد خود بلیغ می‌باشد که درج می‌گردد .

سپهسالار اعظم از جهان رفت

که پنداری جهان را نقد جان رفت

عنان عالمی اندر کفش بود

چو او رفت از کف عالم ، عنان رفت

بود جاوید عمر صدر اعظم

برادر گر بملک جاودان رفت

وجیه‌الله را چون طایر روح ،

به باغ خلد ، از این تنگ آشیان رفت

سلامت باد شاهنشاه مظفر

ظفر جوئی گرش از آستان رفت ،

پی تاریخ او گفت افصح‌الملک ،

« سپهسالاری از دار جهان رفت »

افصح‌الملک در سال ۱۳۲۸ هجری قمری هفده سال پیش از وفات خود در قریه بنادک سادات ساختمانی مشرف بر حسینیه بنادک بنا کرد و بسبب آن اییاتی انشاد نمود و بخط خود بر روی تخته‌ای که در سقف عمارت بکار رفته است نکاشت که تا کنون نیز باقی است این ابیات که سالها پیش از مرگ شاعر در شمار بدایع آثار، زبان زد خاص و عام گردید این است :

دلی بود و دماغی بود و حالی

چراغی بود و عیشی بود و مالی

که ما بر ساختیم این آشیان را

خجل کردیم اوج آسمان را

پس از ما هر که اینجا کرد منزل

به میل جان رسید و مقصد دل ،

روان در بحر راحت کرد چون فلک

بگفتا : « جات خالی افصح‌الملک » ،

عم نگارنده مرحوم سید حسین شکوهی امیرالشعرا می‌یزد که داماد

افصح‌الملک بود (۱) سالها پس از درگذشت شاعرین نکته عجیب را کشف کرد که عبارت «جات خالی افصح‌الملک»، بنا بر حروف ابجد ماده تاریخ وفات گوینده است بدین مناسبت وی در توجیه این نکته بدیع و عجیب قطعه‌ای پرداخت که در دیوانش نیز مندرج است، قطعه مذکور این است:

درینغ و درد کز بیداد گردون

قرین ارتحالی ، افصح‌الملک ،  
 به غربت بی تو ما آشفته‌حالم  
 تو بی ما در چه حالی افصح‌الملک  
 ز جان پروا نمی‌کردم به سویت ،  
 مرا گریه بود بآلی ، افصح‌الملک  
 چو تو رفتی و کس جایب نگیرد  
 فقید بی همالی ، افصح‌الملک  
 ز عمرت شصت و دو چون رفت رفتی  
 قلیل ماه و سالی ، افصح‌الملک  
 کنون در ماتم تو سوگواریم  
 من و یزد و اهالی ، افصح‌الملک  
 ملک چون از تو می‌پرسد شهادت  
 به جد خود بیالی ، افصح‌الملک  
 چو جستم سال تاریخ وفاتت،  
 در این آشفته‌حالی ، افصح‌الملک  
 تو خود گفتمی و بعد از تو شکوهی  
 بگفتا : «جات خالی ، افصح‌الملک» (۲)

۱ - برای اطلاع از احوال و آثار شکوهی رجوع کنید به مروری کویر  
 نشریه استانداری یزد ، مقاله احوال و آثار چندتن از شعرای یزد بقلم نگارنده  
 این سطور صفحه ۷۰-۷۱ .

۲ - رجوع کنید به دیوان شکوهی چاپ گلبهار یزد صفحه ۲۰-۲۱ .